



بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه به مناسبت هفته‌ی قوه‌ی قضائیه (۱) - 6 / تیر / 1397

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقيّة الله في الارضين.

خوشامد عرض میکنم به همه‌ی برادران عزیز و خواهر عزیزمان، و روز یا هفته‌ی قوه‌ی قضائیه را به همه‌ی شما عزیزان که دست‌اندرکار این امر مهم و حیاتی هستید، تبریک عرض میکنیم و از خداوند متعال برای همه‌ی شماها ان شاء الله توفیق و کمک و هدایت خواستاریم و همچنین اجر و ثوابی که در دنیا و آخرت خدای متعال به شما عنایت خواهد کرد ان شاء الله.

خیلی متشکریم از این گزارش مبسوط و مشروح جناب آقای آملی، ریاست محترم قوه که کاملاً جامع و کامل بود و ای کاش این مطالب با شیوه‌های مناسب به اطلاع عموم مردم برسد! حالا ما که در جریان گزارشها و مانند اینها قرار میگیریم و قبل از این ملاقات هم بنده یک گزارش مشروح و مبسوطی را در این زمینه مطالعه کردم، درعین حال برخی از مطالبی که ایشان گفتند برای بنده مجهول بود، یعنی خبر از آنها نداشتم؛ حالا ما که این همه در جریان مسائل قرار میگیریم. مردم خب هیچ مطلع نیستند؛ حالا من ان شاء الله عرض خواهم کرد راجع به مسئله‌ی تبلیغ. به هر حال گزارش ایشان، گزارش جامع و مفصل و خوبی بود و تشکر میکنیم از اینکه ایشان این مطالب را بیان کردند.

هفته‌ی قوه‌ی قضائیه و روز قوه‌ی قضائیه مانند بعضی دیگر از روزهای برجسته در تقویم اسلامی ما «شهادت بنیان» است و این روز بر پایه‌ی فداکاری در راه خدا و کشته شدن در راه خدا تبیین شده؛ مثل روز معلم، مثل پانزدهم خرداد و بقیه‌ی روزهایی که براساس شهادت فی سبیل الله قرار گذاشته شده. خب این، دستگاه قضائی را به شیوه‌ی خاصی معرفی میکند، یک معنای خاصی به دستگاه قضائی میدهد. دستگاه قضائی صرفاً یک مجموعه‌ی اداری دارای وظایفی که باید آن وظایف را انجام بدهد و گزارش بدهد نیست؛ یک مجموعه‌ی انسانی‌ای است که در آن بایستی جهاد انجام بگیرد، جهاد همه‌جانبه بایستی صورت بگیرد. باید در قوه‌ی قضائیه ایثار وجود داشته باشد، کمالینکه شهادت اوج ایثار است؛ گذشت از منافع خود، از خواسته‌های شخصی باید وجود داشته باشد و در خدمت اهداف والا و عالی؛ این، معنای قوه‌ی قضائیه است که خیلی مهم است و تکالیفی را متوجه قوه میکند که فراتر از این کارهای مرسوم و اداری و وظایفی است که روی کاغذ نوشته میشود.

بنده لازم است از تلاشهایی که انجام گرفته حقیقتاً تشکر کنم؛ [چه] از رئیس محترم قوه که بحمد الله با صلاحیتهای بالا و توان خوب و روحیه‌ی کار و پیشرفت وارد میدان شدند و مشغول تلاش هستند، چه مسئولین ستادی، چه بدنه‌ی قوه در سراسر کشور، اعم از قضات و کارکنان و ستادهای عملیاتی در دادگستری‌ها؛ از همه واقعا بنده تشکر میکنم، واقعا تلاش میکنند. این فعالیتهایی هم که جناب آقای آملی بیان کردند که در قوه انجام گرفته، جز با یک تلاش مجموعی و همگانی در بدنه امکان‌پذیر نبود؛ اینها این جور نبود که حالا در رأس مثلاً یک تعدادی بنشینند و بدون حضور و کمک بدنه بتوانند کاری را انجام بدهند؛ معلوم میشود بدنه‌ی قوه بحمد الله اهل کار و اهل تلاش است.



یک نکته‌ی مهم این است که وظیفه‌ی دستگاه قضائی یک وظیفه‌ی حاکمیتی است؛ این دیگر محلّ تردید نیست؛ این کاری است که دستگاه حاکم بر کشور موظف است این کار را انجام بدهد؛ در همه جای دنیا هم همین است؛ یک وظیفه‌ی حاکمیتی است که عبارت است از قضاوت و فصل خصومت و مجازات متخلف از قانون؛ این کاری است که حکومت بایستی انجام بدهد. اگر چنانچه خوب انجام گرفت، نتیجه‌اش این است که مردم از دستگاه حاکم خرسند و خشنود میشوند؛ اگر چنانچه ناقص انجام گرفت، بد انجام گرفت، معیوب انجام گرفت، مردم از دستگاه حاکم ناراحت و نگران و ناخرسند میشوند؛ این جور نیست که بگویند خیلی خوب حالا دستگاه قضائی مثلاً یک مشکلی دارد؛ نه، این وظیفه، یک وظیفه‌ی حاکمیتی است و مجموعه‌ی دستگاه حاکم بر کشور در این زمینه مسئول است. لذا این حساسیت کار شما را بالا میبرد. اگر چنانچه این وظیفه انجام بگیرد، فقط هم این نیست که مردم راضی میشوند، [بلکه] واقعاً در واقع زندگی مردم هم آثار و برکاتی را بر جای میگذارد؛ یعنی اگر واقعاً با قانون شکنی برخورد جدی و صحیح و منطقی و پیگیر و قاطع انجام بگیرد، خوب ببینید این چقدر تأثیر میگذارد در کشور! رعایت قانون، اساس زندگی جمعی است که یکی از وظایف دستگاه قضائی مبارزه‌ی با قانون شکنی و متوقف کردن قانون شکنان است. یا فصل خصومت؛ اگر چنانچه فرض بفرمایید که دستگاه قضائی در فصل خصوماتی که وجود دارد موفق بشود، ببینید چقدر این در متن زندگی مردم اثر میگذارد! دعوای و شکایتها و نگرانی‌ها را به درون زندگی مردم نکشاندن و به متن زندگی مردم نکشاندن و متوقف کردن، این برکات زیادی دارد.

آن وقت یک نکته‌ی مهم این است که قوه‌ی قضائیه با این مسئولیت سنگین باید مظهر عدالت باشد، یعنی باید همه احساس کنند که اینجا عدالت هست. من یک وقتی در یکی از دیدارهای قبلی که در خدمت دوستان بودیم، گفتیم (۲) قوه‌ی قضائیه باید به اینجا برسد که هرکسی در هر نقطه‌ای از کشور دچار یک مظلومه‌ای (۳) شد، یک شکایتی پیدا کرد از کسی یا دستگاهی، خودش را نوید بدهد به اینکه میروم به قوه‌ی قضائیه مراجعه میکنم. یعنی خاطر جمع باشد که به مجرد اینکه به قوه‌ی قضائیه مراجعه کرد، مشکل حل خواهد شد؛ ما باید به اینجا برسیم؛ یعنی آنچه هدف است، این است؛ [قوه‌ی قضائیه] مظهر عدالت باید باشد؛ خاطر مردم جمع باشد که در این قضیه که شما حق من را خوردی، تعرض کردی، تجاوز کردی یا کار خلاف کردی، خیلی خوب، میروم به قوه‌ی قضائیه مراجعه میکنم. آسودگی روحی آحاد مردم در این باشد که به قوه‌ی قضائیه ملتجی بشوند و پناه ببرند.

همچنین در زمینه‌ی احیاء حقوق عامه که یک وظیفه‌ی دیگر است که جناب آقای آملی اشاره کردند؛ به مجرد اینکه یک حادثه‌ای اتفاق افتاد مثل همین مثالهایی که ایشان زدند که بنده هم این مثالها را [میدانم] -قضیه‌ی گوشت و قضیه‌ی جاده و قضیه‌ی هواپیما و بقیه‌ی چیزها- مردم بگویند خیلی خوب، ما این را به قوه‌ی قضائیه میگوییم؛ بدانند که به کجا باید مراجعه کنند و خاطرشان جمع باشد که وقتی مراجعه کردند، این حق عمومی برآورده خواهد شد، احقاق خواهد شد. قوه‌ی قضائیه باید به اینجا برسد؛ معیار را این قرار بدهیم.

اشاره کردند به تحوّل که این از جمله حرفهایی است که ما همیشه در ملاقاتهای قوه‌ی قضائیه -چه در این دوره، چه در دوره‌ی دوستان قبلی که در رأس قوه بودند- مکرّر این را تکرار کردیم. خوب تحوّل چه جوری به وجود می‌آید؟ ما اول باید برای تحوّل شاخص معین کنیم؛ چه اتفاقی اگر بیفتد، معنایش این است که قوه تحوّل پیدا کرده؟ این خیلی مهم است که تحوّل به چه معنا است؛ اول شاخصهای تحوّل را مشخص کنیم، بعد معلوم کنیم که زمان بندی برای رسیدن به این شاخصها چگونه است؛ والا اگر چنانچه این نباشد و همین طوری که اشاره کردند -در گزارش هم من



خواندم- بتدریج به سمت تحوّل برویم، این تحوّل نخواهد شد؛ چون همیشه مشکلات جلوتر از حرکت ما حرکت میکنند، اگر این جور آرام بخواهیم حرکت کنیم. تحوّل، یک کار تقریباً دفعی است که باید اتفاق بیفتد. میگوییم «تقریباً [دفعی]»، نمیگوییم «تحقیقاً دفعی»؛ یعنی باید سریع، با شتاب مناسب، یک اتفاقی بیفتد که معلوم بشود تحوّل انجام گرفت و آن شاخصها تحقق پیدا کرد. زمانهایی که رؤسای محترم قوه، مسئولیت پیدا میکنند، زمانهای بسیار خوبی است و متناسب با این است که در این زمانها به معنای واقعی تحوّل انجام بگیرد. هیچ اشکالی هم ندارد که در طول چند دهه در قوه‌ی قضائیه‌ی کشور، چند بار تحوّل اتفاق بیفتد؛ این کار، خیلی عادی و طبیعی است. یعنی فرض بفرمایید که جناب آقای آملی با تحرک خودش، یک تحوّل را در قوه ایجاد میکنند، نوسازی میکنند، تازه‌سازی میکنند، طراوت میدهند، نشاط و جوانی میدهند؛ کانه حرکت را از نو شروع کردن. در یک دوره‌ی دیگر، کسی می‌آید همین را باز به یک شکل بهتری ترقی میدهد و پیش می‌برد و تعالی میبخشد؛ باید این جور ما به مسئله‌ی تحوّل قوه نگاه کنیم.

یک نکته‌ی مهم در باب قوه‌ی قضائیه - که میبینم جزو دغدغه‌های مسئولین محترم قوه و شخص جناب آقای آملی است و به جایی هم غالباً نمیرسد، یعنی درست پیش نمیرود- مسئله‌ی اعتمادسازی مردم است؛ که من قبلاً یک اشاره‌ای به آن کردم، حالا یک مقداری بیشتر و تفصیلاً عرض میکنیم. خوب، افکار عمومی خیلی مهم است. ما در مقابل دشمن و بدخواه و توطئه‌گر و دروغ‌گو و تهمت‌زن باید با صلابت و قاطعیت عمل کنیم؛ که الحمدلله مواضع جناب آقای آملی انصافاً مواضع بسیار خوبی است در مقابله و مواجهه [با آنها]. همین صحبتی که پریروز ایشان کردند، (۴) صحبت خیلی قوی، خوب و مطلوب مردم [بود]؛ یعنی در مقابل آدم تهمت‌زن، در مقابل آدم فاسد، در مقابل آدم متخلف باید با قدرت وارد شد. در مقابل افکار عمومی نمیشود این جور ظاهر شد. در مقابل افکار عمومی بایستی با تواضع، با دلسوزی، با محبت وارد شد و با افکار عمومی تفاهم کرد؛ این خیلی چیز مهمی است، تا بتوانیم اعتماد افکار عمومی را جلب کنیم.

جلب اعتماد افکار عمومی، یکی از آن اساسی‌ترین کارها است برای قوه‌ی قضائیه؛ البته برای همه‌ی دستگاهها همین جور است، منتها قوه‌ی قضائیه چون با دعوا سروکار دارد و وارد میدان دعوا و معارضه با متجاوز و متعدّدی از قانون میشود، بیشتر از اغلب دستگاههای دیگر به اعتمادسازی احتیاج دارد؛ هم خود قوه‌ی قضائیه، هم دستگاههایی که ضابط قوه‌ی قضائیه‌اند؛ آنها هم همین جور. مثلاً فرض کنید نیروی انتظامی که ضابط قوه‌ی قضائیه است، نیاز دارد به اینکه مردم به او اعتماد کنند تا [اگر] یک جا لازم است یک اعمال قدرتی بکند، یک خشونت به خرج بدهد، مردم آن قدر به او اعتماد داشته باشند که بگویند آهان! این جایش بود، لازم بود، باید این کار انجام میگرفت.

خب، حالا چه کار کنیم برای اینکه این اعتماد به دست بیاید؟ به نظر میرسد دو کار اساسی باید انجام بگیرد. یک کار، کار عملی است؛ یک کار، کار تبلیغاتی است. اول در مورد کار تبلیغاتی عرض بکنیم؛ ببینید، امروز قوه زیر شدیدترین فشارهای تبلیغی و رسانه‌ای است! هم از ناحیه‌ی دشمنانی که در خارج هستند، هم از ناحیه‌ی غافلینی که در داخل هستند؛ حالا تعبیر غافل بکنیم که با حسن ظن همراه باشد. فرض بفرمایید حالا یک قاتل بی‌رحمی می‌آید چند جوان حافظ امنیت را به قتل میرساند، بعد قوه‌ی قضائیه در یک فرآیند قانونی در ظرف چند ماه به جرم او رسیدگی میکند و او را محکوم میکند و حکم را اجرا میکند؛ یعنی یک کار کاملاً عادلانه و منصفانه و صحیح. تبلیغاتی که دشمن میکند، درست عکس آن چیزی است که باید اتفاق بیفتد؛ یعنی این قاتل بی‌رحم را به عنوان



مظلوم معرفی میکند، قوه‌ی قضائیه‌ی دلسوز علاقه‌مند احقاق حق‌کننده‌ی حقوق مظلومین را ظالم و مثلاً فرض کنید که متجاوز معرفی میکند؛ یعنی تبلیغات الان این جور است. تبلیغ بر ضد هم بیشتر اثر میگذارد؛ معمولاً این جور است؛ یعنی غالباً تهمت و شایعه و حرف مفت بیشتر جا باز میکند تا بخواهد انسان آن را جبران کند و درست کند و تصحیح کند و اصلاح کند و حرف راست را به جای آن [جایگزین] بکند. خب، این را چه جور می‌خواهید حل کنید؟ در مقابل این، کار تبلیغی لازم است. تبلیغ بایستی به معنای رساندن آن حقیقت به دل مخاطب باشد، نه به گوش مخاطب؛ باید دل مخاطب تحت تأثیر قرار بگیرد. خب این یک کار فنی است، یک کار هنری است؛ این امروز در دنیا دارد در سطح بسیار وسیعی انجام میگیرد که سیاه را سفید نشان میدهند. الان شما نگاه کنید [که کار] این به اصطلاح پروپاگاندهای (۵) دنیا این جور است دیگر؛ اصلاً یک چیز غلط را درست و یک چیز باطل مطلق محض را حق جلوه میدهند، مردم هم باور میکنند؛ چه جور؟ به صرف اینکه می‌آیند می‌گویند و مثلاً یک حرفی میزنند و عالمانه و مجتهدانه صحبت میکنند نه! این شیوه دارد، این کار دارد؛ [این] کار هنری است. یکی از مهم‌ترین کارهای شما این است؛ یعنی یک تیم قوی رسانه‌ای هنرمند را به کار بگیرید، بنشینند طراحی کنند - نه برای یک روز و دو روز و یک ماه؛ به‌طور مستمر - تا بتوانند همین که شما گفتید که ما فلان تعداد قاضی را این جور کنار گذاشتیم یا فلان حرکت اصلاحی را انجام دادیم یا فلان تنقیح (۶) قانونی را یا فلان پیش‌بینی بلندمدت را انجام دادیم، این را بتواند به مردم تفهیم کند درست که مردم آن را مشاهده کنند ببینند. خب، این کار، کار مهمی است؛ ما این کار را خیلی دست‌کم گرفته‌ایم. خیلی از دستگاه‌های ما مبتلا به همین قضیه هستند؛ فقط دستگاه قضائی نیست اما دستگاه قضائی خیلی احتیاج دارد به اینکه بتواند اعتماد مردم و خوش‌بینی مردم را جلب کند. یکی از دو کاری که برای جلب اعتماد مردم لازم است تبلیغ درست فنی هنری است که این کار یک مجموعه‌ی کارآمد اهل تبلیغ و وارد در فن ارتباط‌گیری تبلیغی است؛ این کار باید انجام بگیرد. یکی این است.

دوم هم یک حرکت درونی در درون قوه‌ی قضائیه به‌صورت جدی است که البته شروع شده؛ بنده خبر دارم، خود ایشان هم به بنده گفته‌اند، چند بار صحبت شده، مطرح شده و من هم یک جاهایی که مثلاً مقتضی بوده گفته‌ام که فرض کنید مأمورینی بروند در یک دادگستری‌ای به‌صورت ناشناس و آنجا بنشینند، وضع دادگستری را، مراجعات مردم را ببینند، بعد به آن قاضی یا به آن بازپرس مراجعه کنند ببینند دادگاه چه جور است، دادسرا چه جور است، چه جور حکم میکنند؛ اینها کارهای خیلی خوبی است، منتها این کار بایستی ده برابر آنچه انجام میگیرد، انجام بگیرد؛ ده برابر! حالا من از روی حساب و کتاب هم نمی‌گویم؛ همین‌طور این جور به نظرم میرسد. شاید لازم باشد به جای ده برابر بگوییم صد برابر، اما حالا بنده احتیاط میکنم؛ دست‌کم ده برابر باید این کار انجام بگیرد؛ چون شکایت زیاد است. قاعدتاً به شماها هم مراجعه میکنند، به ما [هم] مراجعه میکنند.

من در یکی از جلسات - به نظرم سال گذشته بود یا قبل از آن بود - گفتم که شما قاضی خوب کم ندارید، قاضی‌های بسیار خوب [دارید]؛ قاضی‌ای که شب و روز ندارد، از وقت خواب و وقت استراحت و وقت حضور در خانواده و همه‌ی اینها میزند برای اینکه برسد به عمق یک پرونده و پرونده را احقاق کند و زنده کند مفاد آن را؛ قاضی‌های کوشا و اهل سعی و تلاش و صادق و قانع. خیلی خب، یک تعدادی از اینها را چهره کنید، معرفی کنید؛ فرض بفرمایید یک قاضی‌ای را که این تعداد پرونده را به بهترین وجهی که موجب رضایت متخاصمین است یا موجب رضایت مجموعه‌ی دستگاه است و رسیدگی کرده و به نتیجه رسانده، مشخص کنید، معرفی کنید؛ مثل معلمین برجسته، مثل اساتید برجسته، مثل محققین برجسته، مثل کارآفرینان برجسته. قاضی برجسته را چهره کنید تا تشویق بشوند یک عده‌ای به این سبک کار؛ خب همه از آبرو خوششان می‌آید و این [کار] آبروبخش به این افراد است؛ یکی از کارها این



است. نقطه‌ی مقابلش هم همین جور؛ حالا بنده نمیگویم هر کسی را که تخلف کرده، فوراً تشهیرش (۷) کنید -ممکن است لازم نباشد یا در مواردی جایز نباشد- اما در بعضی موارد تشهیر لازم است؛ مشخص کنید، معرفی کنید؛ قاضی‌ای که خیانت کرده در مقام قضا -حالا قاضی یا اعضای دادسرا، فرق نمیکند- این را معرفی کنید؛ چه اشکالی دارد؟ تشهیر کنید. مواردی این‌جوری باید انجام بگیرد. و حرکت قوه‌ی قضائیه به سمت اصلاح درونی دستگاه قضا هم بایستی به نظر بنده بی‌توقف، بدون توقف، انجام بگیرد. من عرض میکنم شما هر پرونده‌ی مهمی که به جریان می‌اندازید، هر دعوی که به یک حکم عادلانه‌ای آن را منتهی میکنید، این یک صدقه است، این یک کار خیر است، این یک نعمت از طرف پروردگار بر شما است؛ وَ اَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ؛ (۸) این نعمت را آشکار کنید، بگویید تا همه بدانند که این اتفاق افتاد. این هم یک مطلبی است که عرض کردیم.

یک مسئله‌ی دیگر، مسئله‌ی مبارزه‌ی با مفسد است که به نظر من چیز مهمی است. امروز خب مسئله‌ی اقتصاد، یک مسئله‌ی اساسی در کشور است. مخاطب اصلی در مدیریت اقتصاد کشور البته قوه‌ی مجریه است و در بخشی قوه‌ی مقننه؛ در این تردیدی نیست؛ ولی قوه‌ی قضائیه هم میتواند نقش ایفا کند در جاهای مختلفی در مسئله‌ی اقتصاد. یکی از جاهایی که قوه‌ی قضائیه میتواند برای اصلاح اقتصاد کشور نقش ایفا کند، ایجاد امنیت فضای اقتصادی است؛ این کار قوه‌ی قضائیه است. قوه‌ی قضائیه باید بتواند نوعی برخورد کند با مختل‌کننده‌ی امنیت، که فضای کسب و کار مردم، فضای زندگی و معیشت مردم، یک فضای امنی باشد؛ این یکی از زمینه‌های کار قوه‌ی قضائیه برای اقتصاد کشور [است]. یک قلم دیگر از کارهایی که قوه‌ی قضائیه در زمینه‌ی مسائل اقتصاد میخواهد انجام بدهد، همین است؛ مبارزه‌ی با مفسد اقتصادی و مفسدین اقتصادی. قوه‌ی قضائیه در این زمینه به صورت واضح و گاهی حتی به صورت جنجالی وارد بشود.

به نظر من در مجموع، دستگاه یک خطای دوپایه‌ای را دارد در زمینه‌ی برخورد با مسائل اقتصادی انجام میدهد؛ یک پایه عبارت است از نوعی حرف زدن و مشی کردن که تلقی عمومی این باشد که فساد عمومی است، در حالی که فساد عمومی نیست، فساد مال تعداد اندکی مفسد است؛ هم در دستگاه‌های دولتی، هم در دستگاه‌های مردمی، هم در محیط کسب و کار، آنهایی که مفسدند، افراد معدودی هستند، تعداد معدودی؛ [ولی] ما جوری در اظهاراتمان و در تعبیراتمان حرف میزنیم که تلقی مردم این میشود که خب همه‌جا را فساد گرفته! این غلط است، واقعیت این نیست. این یک پایه‌ی غلط. پایه‌ی دوم اینکه با آن موردی که واقعاً فساد است، برخورد قاطع و روشن نمیکنیم؛ باید برخورد بشود؛ آنجایی که واقعاً مفسد اقتصادی است، باید صریح و روشن برخورد بشود.

و برخورد هم البته با تبیین [باشد]؛ یکی از کارهای مهم این است، که برمیگردد به همان مقوله‌ی تبلیغ. یعنی وقتی یک مفسد اقتصادی را شما محاکمه میکنید و محکوم میکنید به یک مثلاً جزائی و یک مجازات و معاقبه‌ای، این برای مردم جوری تبیین بشود که مردم همه احساس کنند که این کار درستی است و این کار باید همین‌جور انجام میگرفت.

من الان یادم آمد که در تاریخ گذشته‌ی ما این کار [شده]. در تاریخ در زندگی امام حسن (علیه السلام) این هست که عبیدالله بن عباس که فرمانده یک بخش خیلی مهمی از لشکر امام حسن بود، شب که خوابیدند، صبح پا شدند و دیدند در خیمه‌اش نیست؛ رفته بود، گریخته بود و ملحق شده بود به معاویه؛ آمدند به او رشوه دادند، فلان دادند، پول دادند و رفت طرف معاویه. خب یک چنین حادثه‌ای برای لشکر امام حسن (علیه السلام) خیلی حادثه‌ی



شکننده‌ای بود. آنجا یکی از اصحاب نزدیک - که من حالا یادم نیست، قدیم دیده‌ام، حجرین عدی بود یا کسی دیگر - آمد برای مردم سخنرانی کرد؛ یک بیانی کرد که بعد از پایان بیان او، همه اظهار خوشحالی کردند، گفتند الحمدلله که این رفت! ببینید، این بیان تبیین به معنای واقعی، تبلیغ به معنای واقعی، این جور است؛ می‌آید حرف می‌زند و روشن میکند که آنچه اتفاق افتاد، به نفع ما بود؛ یعنی به تعبیر رایج امروز، تهدید را به فرصت تبدیل میکند؛ این بایستی در قوه‌ی قضائیه [باشد]. ایجاد امنیت فضای کسب و کار، مبارزه‌ی قاطع با مفسد اقتصادی، همکاری با دولت در حل مشکلات؛ این هم یکی از کارهایی است که در زمینه‌ی اقتصاد میتواند قوه‌ی قضائیه انجام بدهد.

یک اشاره‌ای به کارهای حقوق بشری و بین‌المللی کردند؛ انصافاً در این زمینه، قوه کارهای خوب و بی‌سابقه‌ای کرده. همین ۱۲۰ میلیارد دلاری که ایشان فرمودند - ما حالا بتوانیم بگیریم یا نتوانیم بگیریم، بحث بعدی است - اما این حرکت، یک حرکت کاملاً درستی است. یا همین بحث مواجهه‌ی حقوق بشری؛ ما در زمینه‌ی مسائل حقوق بشر از دنیا طلبکاریم، ما بدهکار نیستیم! در آن سالهای اوایل انقلاب به دانشگاه دائماً میرفتم، مرتب میرفتم سخنرانی میکردم؛ دانشجویها سؤال میکردند، جواب میدادیم. یک وقتی یکی از دانشجویها از بنده پرسید که شما در مورد مسئله‌ی زن چه دفاعی دارید؟ جمهوری اسلامی چه دفاعی دارد؟ بنده گفتم ما هیچ دفاعی نداریم! ما حمله‌ای داریم، ما هجومی داریم! دفاع چیست؟ ما در زمینه‌ی [زن] مدعی هستیم. ما در قضیه‌ی زن، مدعی دنیا هستیم، مدعی رژیم طاغوت - آن وقت‌ها که آن حرفها مطرح بود - هستیم، ما دفاع نداریم.

در زمینه‌ی حقوق بشر این جور است، ما دفاع نباید بکنیم، ما باید حمله کنیم! این کسانی که این همه جنایت کرده‌اند، این همه فساد ایجاد کرده‌اند - نه فقط در تاریخ، همین حالا - مثلاً فرض کنید فرانسوی‌ها شده‌اند مظهر حقوق بشر. این فجایعی را که فرانسوی‌ها در آفریقا به وجود آوردند، در الجزایر و در غیر الجزایر کارهایی که کردند، انسان وقتی میخواند، واقعاً تن او میلرزد! فرض بفرمایید یک دریاچه‌ای را، مثلاً یک مرداب بزرگی را با نفت و این چیزها آغشته کنند، بعد یک جمعیت کثیری را - زن، مرد، بچه - از روستا بکوچانند طرف آن و بعد اینها را ببندند به رگبار، اینها هم از ترس به آن دریاچه پناه ببرند، بعد آن دریاچه را آتش بزنند! حالا شما فکرش را بکنید، این اتفاق افتاده! مثلاً این قضیه اتفاق افتاده به وسیله‌ی فرانسوی‌ها. به وسیله‌ی انگلیسی‌ها در هند در یک باغی شش هزار نفر جمع شدند به عنوان تظاهرات، انگلیسی‌ها آمدند مسلسل گذاشتند دم در آن باغ، یکسره شش هزار نفر را در یک روز یا در نصف روز و در چند ساعت به قتل رساندند! حالا اینکه مثلاً برای پنجاه سال، صد سال قبل است، لکن همین زمان خودمان سر قضایای داعش و سر قضایای سوریه و سر قضایای میانمار، شما ببینید اینها واقعاً چه کردند! آن وقت اینها مدعی حقوق بشرند؛ ما حرف داریم در زمینه‌ی حقوق بشر، ما ادعا داریم علیه مدعیان دروغ‌گو و وقیح حقوق بشر؛ این کارها، کارهای بسیاری خوبی است که خب بحمدالله در قوه‌ی قضائیه دارد انجام میگیرد.

خداوند ان شاءالله که به همه‌ی شما توفیق بدهد، کمکتان کند تا ان شاءالله بتوانید همان‌طور که عرض شد، یک قوه‌ی قضائیه‌ی مطلوب خدای متعال و مطلوب مردم مصلح و منصف در کشور، مطلوب نظام اسلامی ان شاءالله از آب دریاورید و مقدمات آن را لاقلاً [فراهم کنید]؛ هرکسی یک قدمی هم در این راه بردارد، مغتنم است. ان شاءالله خداوند همه‌ی شما را موفق بدارد.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته



- ۱) در ابتدای این دیدار، آیت‌الله صادق آملی‌لاریجانی (رئیس قوه‌ی قضائیه) گزارشی ارائه کرد.
- ۲) بیانات در دیدار مسئولان قضائی کشور (۱۳۸۷/۴/۵)
- ۳) ظلم، ستم
- ۴) سخنرانی آیت‌الله صادق آملی‌لاریجانی در همایش قوه‌ی قضائیه (۱۳۹۷/۴/۴)
- ۵) تبلیغات جانبدارانه با هدف تحریف واقعیت
- ۶) اصلاح کردن
- ۷) مشهور کردن، رسوا کردن
- ۸) سوره‌ی ضحی، آیه‌ی ۱۱؛ «و از نعمت پروردگار خویش [با مردم] سخن گوی.»